

شماره ۱۶

مجله تخصصی سیمرغ باریخ

اندیشه سیمرغ باریخ

نبض زندگی زیر پوست اعتراض ۲



مدیر اجرایی : دکتر مرجان نقوی

مدیر فنی و ناظر کیفی انتشار: نوری

## فهرست سیمرغ باریخ

- سخن سیمرغ باریخ
- نبض زندگی زیر پوست اعتراض - ۲  
مکعب فروریزش - مرگ - فاصله ها و نقش رسانه ها در گسترش زیباییشناسی اعتراض
- دوره آموزشی آینده مدیریت آینده در حوزه کار و کسب
- پیش بینی



## سخن سیمرغ

درود و مهر فراوان من را پذیرا باشید. نهمت آن دارم که در هر جا و هر زمان از زمانه ی زیست طبیعی خود به سر می برید پویاتر از همیشه به ایران آینده و آینده ایران بیاندیشیم و هر کدام ما در کنار دیگر آدمیان به مشق آدمیت بپردازیم. در گسترش آزادی و دموکراسی به عنوان سبک زندگی کوشا باشیم و زندگی مان مملو از موفقیت باشد.

شماره شانزدهم از مجموعه شماره های مسلسل و شماره دوم از سری جدید «سیمرغ باربخ» نشریه الکترونیکی تقدیم حضور می شود. امید دارد به همت دوستان عزیزم به زودی پادپخش - پادکست - مجله نیز تقدیم حضور شود. همچنین به شکل محدود و هدفمند به صورت چاپی نیز برای علاقمندان ارسال گردد.

از این که هستید و در کنار ما استید خدایم را شکرگزار هستم.

مهدی مطهرنیا



## نبض زندگی زیر پوست اعتراض

• مکعب فروریزش - مرگ - فاصله ها و نقش رسانه ها در گسترش زیباشناسی اعتراض

مهدی مطهرنیا

### مقدمه:

در پایان بخش نخست این عنوان در تحلیل آینده نگرانه جنبش اعتراضی و متمایل به جهت گیری انقلابی در ایران امروز، برای گریزاز «گفتن و گریختن»، گفته شده برای احیای امید نباید به سراغ کارهای بزرگ رفت. متأسفانه کارهای بزرگ یا ناتمام می‌ماند یا با مسأله و فرامسأله ها رو به رو می‌شود. باید ۱۵-۱۰ کار کوچک را که به افکار عمومی و مردم ارتباط پیدا می‌کند و در عین حال گره‌گشا هم هست در دستور کار قرار داد؛ مثلاً هرکدام از سه قوه می‌توانند در روند خود تجدیدنظری داشته باشند.

از این رو، هر روندی را که ناقص است و در سیستم گردش کار، نارضایتی ایجاد می‌کند اصلاح کنند تا اعتماد جامعه جدی‌تر و عرصه برای انجام پروژه‌های بزرگ‌تر، بازتر شود.

اما این فرصت از دست رفت. ۱۴۰۰ و موضع نظام در قبال انتخابات آن عبور از اصلاحات را کامل کرد. پژواک آن در آرای صندوق ها هویدا بود.

در خط پایانی بخش نخست از این کوشش نوشته شد: «ادامه این مطلب را در چارچوب تئوری بافتار بندی و مکعب های فروریزش و فروپاشی در شماره بعد دنبال خواهیم کرد». اکنون در ادامه به مطالبی در این مورد اشاره خواهد شد.



## مکعب مرگ فاصله ها "CCS" cube collapse space

در سه گانه های « اتاق شیشه ای، گوی بلورین، و فلک آبگینه فرو ریختن "مکعب فاصله ها"، در گوی-بلورین، در چهار وجه مربعی این مکعب کامل و در ابعاد زیر چهره نشان خواهد داد:

- ۱- فرو ریختن دیوار فاصله های مکانی
- ۲- فرو ریختن دیوار فاصله های زبانی
- ۳- فروریختن دیوار فاصله های جسمانی
- ۴- فرو ریختن دیوار فاصله های ذهنی و روحانی

در گوی-بلورین ارتباط مستقیم و بدون وسایل ارتباطاتی خود را برخواهد ساخت؛ "حاکمیت اخلاق بر همه ی ابعاد زندگی بشر" نزدیک است. کسب و کارهای آینده روحی از ایده و کالبدی از واژگان و لباسی از جنس دانایی بر تن خواهند داشت. جهان در حال زایشی خونبار برای گذشتن از این دالان عبور است .

این فروریزش با:

- ۱- توسعه و برتری نقش کنشگران رسمی و غیر رسمی جهان آزاد در برابر کنشگران رسمی و غیر رسمی دولت - کشورهای موجود در باند پریپهنای جهانی
  - ۲- رسمیت یافتن رسانه - دولت های شبکه ای در نظام بین الملل و استقرار رسمی دولت رسانه ها در گستره جهانی
- دو وجه زیرین و زیرین این مکعب را کامل خواهد گرفت. فروریزش کامل خواهد شد. گوی بلورین به مرحله تکاملی خود خواهد رسید.



در آغازین سال شروع دهه ۱۳۹۰ ه. ش به فروریزش یا مرگ فاصله ها اشاره کردم. در رساله دوره دکترای تخصصی آینده پژوهی خود با موضوع «رسانه های آینده و نقش آن ها در جنبش های نوین اجتماعی» به آن پرداختم و بعد از نیمه دوم این دهه آن را بیش از گذشته رسانه ای نمودم.

ردئای این مطلب در نظریه «اتاق شیشه ای» به سال ۲۰۱۰ میلادی یافت می شود؛ و در «گوی بلورین» به سال ۲۰۱۵ اصرار نمودم که مرگ فاصله ها در وجه چهارم آن در ارتباط مستقیم بین مغزها بدون واسطه ی حواس پنجگانه موجب انتقال داده ها بر اساس فرکانس های ارسالی از سوی آن ها خواهد شد؛ چرا که فرکانس های مغزی میان هیچ آدمی با آدم دیگر یکسان نیستند. همانگونه که اثر انگشت هیچ انسانی با انسان دیگر یکسان نیست. اخبار رسیده در سال های بعد و در آغاز سال ۲۰۱۹ نشان می دهد که امکان به اشتراک گذاری افکار و اتصال مغزها بیشتر از آنچه به نظر می رسد رنگ واقعیت بخود گرفته است. محققان توانستند مغز سه نفر را به گونه ای به یکدیگر متصل کنند که امکان به اشتراک گذاری افکار برای آن ها فراهم شود و توانستند یک بازی آنلاین را به طور مشترک انجام دهند.<sup>۱</sup>

یادداشتی در ۲۰ اسفند ۱۳۹۶ نگاشته شد که در ۳ فروردین سال ۱۳۹۷ در دیپلماسی- ایرانی منتشر شد در این یادداشت گوشزد نمودم که در سال آینده: «جهان گام هایی پرشتاب برای گذار از «اتاق شیشه ای»؛ به سمت «گوی بلورین» برخواهد داشت. به گونه ای که سیاه قلمی از تصویر جدید از جهان آینده را نیز در لایه های زیرین خود به نمایش خواهد گذاشت. مرگ فاصله های زمانی و مکانی- فضایی، به سرعت "فروریزش بزرگ زبانی" را تجربه خواهد کرد. سال آینده خبرهای جدی در باب برداشت عاملیت انسانی برای ترجمه زبان ها به یکدیگر را

<sup>1</sup> <https://www.sciencealert.com/brain-to-brain-mind-connection-lets-three-people-share-thoughts>



شاهد خواهیم بود. "ورود هوش مصنوعی" به این صحنه این فروریزش را تسریع خواهد کرد. تلاش بشر برای برداشتن فاصله های جنسی و جسمی از طریق فناوری های مدرن جلوه های جدیدی از "نومدرنیته جهانی" را به نمایش خواهد گذاشت. ارتباط بین الازدهانی میان رایانه ها و ایجاد ابررایانه جهانی عصر ارتباط بین الازدهانی از طریق تنظیم فرکانس های ذهنی انواع بشر با یکدیگر بدون ابزار مادی از طریق انتقال فکر به انرژی و انتقال سریع و بدون واسطه آن را بر خواهد ساخت. تراشه ای که حافظه را بیشتر می کند در این سال به بازار خواهد آمد. این تراشه که در مغز کاشت می شود به افراد کمک خواهد کرد که حافظه بخزند و برخی خاطرات را حذف کنند. شتاب این تغییرات و ظهور و در دسترس قرار گرفتن محصولات این فناوری ها در گستره ی جهانی، تصویری جدید از سیاه قلم دنیای آینده و گذار از گوی بلورین به تصویری جدیدتر را شکل خواهد بخشید. این سیاه قلم از تصویر آینده جهان را «فلک آبگونه» نام نهاده ام. انسان پیشرو؛ در پی انتقال خود از زمین به کرات دیگر و گسترش ارتباط با جغرافیای فرازمینی بر خواهد آمد.

در مقاله « فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس کارآفرین» در کنفرانس ملی مدارس کارآفرین بود که به نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس کارآفرین با جهت گیری آینده اندیشانه توجه شد. پارادایم، پساپوزیتویستی، روش شناسی کیفی، و روش «آینده نگری» و سناریونویسی در این پژوهش بر این رهیافت استقرار یافت. این پژوهش با گذار از دهکده جهانی، و جهان مسطح، به «اتاق شیشه ای»، «گوی بلورین»، و «فلک آبگونه»، پروا داشته، باور داشت روند های همگراسازانه دنیای ما را از دهکده جهانی لوهان، و جهان مسطح فریدمن، عبور و به سمت «اتاق شیشه ای» و «گوی بلورین» می راند. در این مسیر باید به «فلک



آبگینه»، و ارتباط با افلاک و روابط فرازمینی در باند پریپهنای فناوری های نوین ارتباطات و هوش مصنوعی، اندیشید.

بیان شد در این حرکت پرشتاب، با تکمیل «مکعب مرگ فاصله ها»، ساحت های آموزش و پرورش، و کسب و کارها دگرگون خواهند شد، و از زمین به آسمان خواهند رفت. آموزش و پرورش از درون مدارس کلاسیک به «اتاق های بلورین آموزش موازی»، در دنیای «واقعیت های موازی» وارد خواهد شد. مقاله در این تلاش به سه سناریو اشاره نموده است.

در چکیده ی مقاله دیگری با عنوان «گوی بلورین: گذار از اتاق شیشه ای به حیاط شفاف و فرا بُعدی حیات»، اشاره شد: «شتاب روزافزون انسان در گذار از دهلیزهای هزارتو و تودرتوی علم، و فناوری؛ و گذار پی در پی از پوسته های جوراجور شعورمتعارف، به سرعت شتاب را نیز از گویایی بازمی دارد. نیاز به کاربرد «ریشتر» Richter، در این زمینه دیر یا زود خود را بر ادبیات موضوع تحمیل خواهد کرد

این شتاب در ساحت فناوری های ارتباط؛ خود را بیش از گذشته؛ و در شکل آرایشی فراشتاب؛ به نمایش می نهد. در سال ۱۹۶۷ ماهان از دهکده جهانی سخن به میان می آورد. در ۲۰۰۵ توماس فریدمن به جهان مسطح یا یکدست شده اشاره دارد. در سال ۲۰۱۰ بود که به اتاق شیشه ای، و در سال ۲۰۱۵ بر آن شدم که از اتاق شیشه ای عبور کرده و از گوی بلورین سخن به میان آوردم. در آستانه ی ورود به ۲۰۱۸ در یافته ام که این معنا نیز در حال گذار است. گوی بلورین نیز در آینده ای نه چندان دور، دیگر پاسخگو نیست. اکنون که به فلک آبگونه می اندیشم؛ درمی یابم زمان آن فرارسیده است که در مجموعه سه گانه های آبگینه شامل «اتاق شیشه ای، گوی بلورین و فلک آبگونه»، به شایستگی ابعاد مختلف پنداشته گوی بلورین را بازشکافم. سخن گفتن از "فلک آبگونه" که ارتباط را از مرزهای فرادیدجیتالی در عصر





ارتباط‌های نهادینه شده نمادین در فضای واقعیت‌های موازی؛ گذر داده و به ارتباط میان انسان زمینی با موجودات فرازمینی عبور می‌دهد، زمانه‌ای سوا فرامی‌خواند. اما، به نظر می‌رسد بازشکافی ظرفیت‌های گوناگون «مکعب فروریزش - مرگ فاصله‌ها -»، در گوی بلورین، زمانی مناسب بازیافته است. این جستار بر آن است تا گوی بلورین را به روشنگری نشیند.

در «اتاق شیشه‌ای و هنر هشتم زندگی در واقعیت موازی» آوردم که اهمیت رسانه‌های فراگیر و جهانی که از آن‌ها تا به عنوان «اثر سی‌ان‌ان» یاد می‌شود، بر هیچ فردی پوشیده نیست. ضمن آن که نظریه‌ی مارشال مک‌لوهان، دهکده‌ی جهانی، را به ذهن متبادر می‌سازد، بیانگر این نکته است که افکار عمومی جهان خود یک ابر قدرت است و مؤلفه‌ای بسیار نیرومند در میان عناصرتشکیل‌دهنده‌ی قدرت، شکل‌بخشیدن به باورها، اعتقادات، دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد است.

قدرت رسانه‌ها از نوع نرم و مبتنی بر تعامل و جذب افراد و طرح ایده‌های موردنظر است به نحوی که با تبلیغات مختلف می‌توان بسیاری از حقایق را وارونه جلوه داد و موجب بی‌اعتباری و سلب اعتماد افراد شد. کیسینجر وزیر امور خارجه‌ی پیشین آمریکا قدرت رسانه‌ها را برتر از هواپیماهای ب ۵۲ (B۵۲) می‌داند. نقش هالیوود و رسانه‌های غرب در گسترش چیرگی و قدرت غرب کمتر از دیگر ابزارهای قدرت نیست. این نقش به حدی فراگیر و در همان حین فشرده ساز نظام بین‌المللی است که لوهان از اثر آن با تمثیل «دهکده جهانی» یاد می‌کند. به بیان دیگر بر آن است که رسانه‌ها و گسترش ارتباطات ناشی از آن است که جهان موجود را با تمام طول و عرض آن، به دهکده‌ای کوچک تبدیل می‌نماید.



این در حالی است که با پروای آنچه می توان قابل پیش بینی دانست باید گفت که رسانه های آینده سازنده ی «اتاق شیشه ای»، خواهند بود. اتاقی که در آن «فضای مجازی» به «واقعیت موازی» تبدیل و بازیگری در آن «هنر هشتم»، را به جامعه بشری تقدیم خواهد داشت. در این باند پریهنای تحولات فناوری های ارتباطی و رسانه ای است که دهکده جهانی لوهان و دنیای یکدست شده فریدمن، دیگر پاسخگو نخواهند بود. این اتاق شیشه ای خواهد بود که جهان آینده ی ما را معنادار و تعریف پذیر خواهد کرد. رسانه های آینده تنها پیام رسان نخواهند بود و این گفته مک لوهان *The medium is the message*، رسانه خود پیام است؛ دیگر کامل نخواهد بود؛ بلکه رسانه معناپرور؛ جامعه ساز و دولت برانگیز خواهد بود. در پرتو همین دگرگونی بزرگ است که مفاهیم نیازمند بازتعریف مفهومی جدید شده؛ خوانش جدیدی از هویت را پی می جویند. در میان همه ی مفاهیم نیازمند به بازنگری، مفهوم قدرت از بالاترین جایگاه برخوردار است. آنچه که مایه ی اصلی دگرگونسازی لایه ی بیرونی تحول قدرت بوده است؛ نه فقط ضعف در ساختار قدرت که بیشتر در عدم درک تغییر و تحول در هویت قدرت است. هویت قدرت در نقطه تشابه بنیادین خود بر مفهوم حرکت آفرینی متکی است.

قدرت در استمرار هویتی خویش، و در خط تداوم آن از مسیر قدرت ساده یا مکانیکی به قدرت پیچیده ارگانیکی و از آن به قدرت شبکه ای پیچیده نقل مکان کرده است. امروز مفهوم قدرت در بستر هم آغوشی قدرت سخت با نرم، در قدرت هوشمند تجلی پیدا نموده است، و با ممزوج شدن با اقناع آفرینی های رسانه ای توان آن را یافته است که در قالب شبکه های درهم تنیده ی اجتماعی و فناوری ناشی از گسترش اوترنت در آینده ی نزدیک شکل دهنده به قدرت هوشیارانه، و جامعه ی فراشبکه ای باشد. قدرت در آینده به قدرت هولوگرافیک



تمایل پیدا می کند و توان هلوتراپیک بشر را در «جهان قدرت هلوگرافیک» به گونه‌ای می‌گستراند که جهان آینده را به رسانه - کشورهای جهانی تبدیل می نماید.

آدمی در دنیای آینده با رسانه هایی روبرو خواهند بود که ابعاد دو بعدی زندگی انسان - مکان و زمان - را به ابعاد چهار یا پنجگانه‌ای سوق خواهند داد که حیات آدمی را به سمت و سوی یک زندگی مکعب مربعی خواهد راند. رسانه ها از حالت منولوگی یا یک سویه خارج؛ و جهت گیری دیالوگی پیدا خواهند کرد. نه تنها فاصله ها خواهند مرد که مرزهای اختلافات زبانی فرو خواهد ریخت. مرگ فاصله ها و فروریزش دیوارهای اختلاف زبان‌ها، «فروریزش عظیم مرزهای زبانی»، ابعاد گوناگونی از خروجی ها و پیامدهای مختلف را به همراه خواهد داشت.

این معنای اهمیت دارد که نقش رسانه ها را در این ارتباط بر مبنای "امرواقع" و حتا "واقع امر" نسنجیم بل آن که به "واقعیت" موجود در آن پروا داشته باشیم. آن این که بدانیم رسانه ها نقش خاص رسانه ای خود را در جریان جنبش های اجتماعی دارند نه این که تصور کنیم که رسانه ها تعیین کنندگان اصلی وضعیت جامعه هستند. اگرچه اگرچه باید بر این امر تأکید نماید که رسانه ها در چشم انداز آینده به واقع نقش «موطن موازی - مجازی - در واقعیت موازی» را به عهده خواهند داشت.

فناوری های نوین ارتباطی باعث شده اند تا افراد جامعه تا حد زیادی حریم خصوصی خود را از دست بدهند. حریم و مرزهای ملی و خصوصی کشورها معنی خود را از دست داده اند



و اطلاعات با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی به گوشه و کنار جهان رسوخ کرده و در خصوصی ترین حریم های افراد وارد می شوند.

تحرك در این گستره پریپنا افزوده می شود. در گذشته افراد جهت استفاده از ابزارهای ارتباطی از محدودیت مکانی برخوردار بودن. اما، امروزه می توان دریافت که به هیچ وجه نمی توان به سهولت گذشته و با بستن راه های ارتباط میان آدمیان و سرکوب ارتباطات به اهداف تعریف شده در جنبش های گوناگون اجتماعی دست یافت.

جنبش های اجتماعی نقش کلیدی در مبارزه جهت ایجاد، حفظ و توسعه دموکراسی ایفا کرده اند (Della Porta, ۲۰۱۳: ۹). از جنبش های اجتماعی تعاریف متفاوتی ارائه شده است. برخی تعاریف اشکال گسترده تر و بعضی دیگر شکل محدودتری از حرکت های دسته جمعی را در بر می گیرند (Opp, ۲۰۰۹: ۳۵). طبق یکی از مشهورترین تعاریف، جنبش های اجتماعی گروه هایی از مردمانند که به تلاش جهت ایجاد تغییرات اجتماعی یا مقاومت در برابر آن می پردازند (Mccarthy & Zald, ۱۹۷۷).

این جنبش ها بر روی دوش ارتباط میان آدمیان به عنوان گستره اجتماعی در واژه سار جنبش های اجتماعی استقرار دارند. به همین معیار و بر همین مدار آن ها «ارتباطات»، به معنای بهره برداری از رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی و در آینده نه چندان دور رسانه های فرااجتماعی موجب زمینه سازی برای ایجاد این ارتباط در فضای صناعی ارتباط با عنوان ارتباطات می شود.



این معنا زمانی اهمیت دارد که نقش رسانه ها را در این ارتباط بر مبنای "امرواقع" و حتا "واقع امر" نسنجیم بل آن که به "واقعیت" موجود در آن پروا داشته باشیم. آن این که بدانیم رسانه ها نقش خاص رسانه ای خود را در جریان جنبش های اجتماعی دارند نه این که تصور کنیم که رسانه ها تعیین کنندگان اصلی وضعیت جامعه هستند. اگرچه باید بر این امر تأکید نماید که رسانه ها در چشم انداز آینده به واقع نقش «موطن موازی - مجازی - در واقعیت موازی» را به عهده خواهند داشت.

رسانه ها در گسترش مفهومی به نام «زیبایی‌شناسی اعتراض» که به کاربرد نمادین و سیاسی مجموعه‌ای از سمبل‌ها، کنش‌ها، علائم، تصاویر و نمایش‌های خیابانی اشاره دارد، اثرگذاری های خود را فزونی می بخشند. زیبایی‌شناسی اعتراض به یکی از مشخصه‌های بارز موج فراگیر اعتراض‌ها در واکنش‌ها در جنبش‌های اجتماعی، تبدیل شده است. نمایش اعتراضی «گیسوپُران» و آتش‌زدن روسری‌ها، مقاومت‌های تک‌نفره در مقابل گارد ضدشورش، دیوارنویسی و گرافیتی‌های خیابانی، رژه‌ی نمادین زنان در خیابان ولیعصر تهران و رقص بدن‌های آزادشده به دور آتش، و انعکاس آن‌ها در شبکه‌های بهم پیوسته ولی مستقل از هم در ساحت رسانه ای این معنا را در باندی پریپنا گسترده می سازد. فیلتر شبکه‌ها جوابگو نیست. نسل ای که زد هم خوانده می شود. شبکه سازتر از نسل‌های گذشته و مأنوس‌تر با شبکه‌های ارتباطات گوناگون است. این‌ها تنها نمونه‌هایی از اثر رسانه ای در گسترش زیبایی‌شناختی در خیزش‌های اجتماعی به ویژه در ایران امروز هستند.

به نظر می رسد اکنون می توانیم اذعان داریم که نقش رسانه نه بر مبنای "امرواقع" و حتا "واقع امر" ، " بل بر بنیاد "واقعیت" موجود متأثر از رسانه ها و نقش خاص رسانه ای خود در جریان جنبش‌های اجتماعی موجود هستند. اما این که مسایل را به رسانه‌ها بازگردانیم و



انگشت اتهام را به آن‌ها متوجه سازیم گریزگاهی برای فرار از مسئولیت است. نباید تصور کرد که رسانه‌ها تعیین‌کنندگان اصلی وضعیت جامعه هستند. اگرچه تکرار می‌کنم باید بر این امر تأکید نمایم که رسانه‌ها در چشم‌انداز آینده به واقع نقش «موطن‌موازی - مجازی - در واقعیت موازی» را به عهده خواهند داشت. اما، با کدگذاری «بی‌تدبیری‌های موجود و مسئولیت‌گریزی‌های جاری» است که نارضایتی‌ها و انبوه‌شدگی متراکم آن‌ها در جریان رسانه‌ای چون سیلی بر سر وضع موجود آوار می‌شوند.

در شماره آینده به مکعب‌های فروریزش و فروپاشی و توضیح‌تن‌ها در این روند خواهیم پرداخت.



## کار و کسب ها در باریک



کسب و کارهای آینده و ابعاد روانی بهروری کسب و کار در آینده

### دوره آموزشی آینده مدیریت آینده در حوزه کار و کسب

آینده؛ زمانی است که زمانه ی وجودی ما در آن موجودیتی قطعی ندارد؛ اما؛ وجود خود آینده در آن قطعی است.

در جهان آینده کسب و کارها، از زمین به آسمان خواهند رفت.

باید به آینده ای که می پردازیم سفر کنیم نه به آینده ای که در انتظار ما است



در جهان آینده کسب و کارها، از زمین به آسمان خواهند رفت.

در جهان آینده کسب و کارها، از زمین به آسمان خواهند رفت.

اطلاعات بیشتر در سایت

<https://barikhnews.com>



پروفسور گری بکر اقتصاددان برجسته آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های پرینستون و شیکاگو بود. وی یکی از بنیان‌گذاران استفاده از اصول اقتصادی در زمینه مسائل جامعه‌شناسی و تاثیر متقابل رفتار و اقتصاد است. یکی از معروف‌ترین نوشته‌های او «نگاهی به رفتار از منظر اقتصاد» است که در ژورنال Political Economy به چاپ رسیده و در محافل بسیار زیادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. او در مراحل پایانی سخن خود ضمن اذعان به این که با اقتصاد ایران آشنایی چندانی ندارد، اما ف عالمانه به نکات مهمی اشاره می‌کند:

«کشور ایران در ۵۰ سال گذشته بسیار کمتر از حد توانایی خود عمل کرده، یعنی می‌توانسته امروز وضعیت خیلی بهتری داشته باشد که از عوامل آن می‌توان موارد زیر را نام برد: **اتکای زیاد به انحصارهای دولتی و غیردولتی** که به نظر من هر دوی آنها مضر است، ولی اگر بخواهم یکی را انتخاب کنم، می‌گویم انحصار غیردولتی چون حداقل بهینه‌تر عمل می‌کند، **اتکای زیاد به دادن یارانه** مخصوصاً به بعضی بخش‌های خاص اقتصاد، اتکای بیش از حد به نفت که مطمئن هستم، شما همه شنیده‌اید که بعضی‌ها نفت را یک نفرین برای اقتصاد می‌نامند. البته من بر این باورم که نفت برای اقتصاد نفرین نیست و می‌تواند محرک بسیار خوبی برای یک اقتصاد باشد، ولی متأسفانه برای بسیاری از کشورها نفت تبدیل به یک نفرین می‌شود زیرا سهل الوصول بودن آن و درآمدی که برای کشور ایجاد می‌کند، باعث می‌شود که این تصور در کشور به وجود آید که مردم نیاز ندارد برای پیشرفت در سایر بخش‌های اقتصادی هم تلاش کنند، در نتیجه بیشتر از آنکه مردم کشور از توانایی‌های انسانی بهره برداری کنند از درآمد نفت بهره برداری می‌کنند.

به نظر من ایران **نیروی انسانی بسیاری غنی دارد** و باید از آن استفاده کند و **نه از منابع طبیعی خود**. متأسفانه تا الان ایران بیشتر روی توانایی تولید نفت خود اتکا کرده که بالاخره روزی به پایان خواهد رسید و آن زمان مجبور است که به دنبال جایگزین‌هایی برای آن بگردد. پس بهتر است قبل از اینکه نفت به اتمام برسد با خود فکر کنید که بسیار خوب است که درصد بالایی از درآمد سرانه ما را فروش نفت تامین می‌کند، ولی ما باید بتوانیم اقتصاد را طوری مدیریت کنیم که انگار نفت نداریم و وقتی موفق شدیم این کار را انجام دهیم درآمد نفت را به آن اضافه کنیم که در این حالت سرعت توسعه و رشد اقتصادی ما چندین برابر خواهد شد. پس می‌بینیم که نفت الزاماً یک بلا نیست و می‌توان به صورت بهینه از آن استفاده کرد، وقتی یک نفرین است که ما می‌بینیم در کشورهای تولیدکننده نفت حجم زیادی از منابع طبیعی به هدر می‌رود و چون من به هدر رفتن منابع خیلی حساس هستم، این موضوع مرا آزار می‌دهد، وقتی می‌بینم که ایران هم متأسفانه دچار این مشکل شده است.

**یک مثال بسیار خوب که به نظر من ایران می‌تواند از آن به عنوان نمونه استفاده کند کشور ترکیه است**، در اقتصاد ترکیه اشکالات بسیار زیادی وجود دارد، ولی آنها در سال‌های اخیر شاهد رشد بسیار سریع اقتصادی بوده‌اند، البته من می‌دانم





که ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی از امتیازات بیشتر در دسترسی به بازارهای دنیا نسبت به ایران برخوردار است، ولی علاوه بر این موضوع باید بگویم که اصلاحات اقتصادی مناسبی نیز در سال‌های اخیر انجام شده است، ترکیه توانسته است که تورم را کنترل کند، آنها قسمت دولتی اقتصادشان را اصلاح کرده‌اند و به تدریج در حال اصلاح بخش خصوصی هستند. دولت ترکیه در حال حاضر بسیار در بین مردم محبوب است و من مطمئن هستم که بخش زیادی از آن مربوط به عملکرد اقتصادی دولت است. ترکیه همسایه قدیمی ایران است و این دو سابقه تاریخی زیادی دارند و من معتقدم که ترکیه نمونه‌ای است از آینده بالقوه ایران.

در آخر، من فکر می‌کنم که ایران توانایی، سرمایه انسانی، دانشجویان بسیار عالی و نیز سیستم آموزشی قدرتمندی دارد که می‌تواند این کشور را به یک کشور ثروتمند تبدیل کند. هنوز به این موقعیت نرسیده، ولی این امکان وجود دارد. **متأسفانه رشد ایران برای زمان نسبتاً طولانی به کندی صورت گرفته است، ولی نگاه من به آینده ایران خوش‌بینانه است و امیدوارم که در دهه آینده به یکی از بازیگران اصلی صحنه تجارت بین‌المللی تبدیل شود** و عضو جدیدی برای BRIC (Brazil, Russia, India, China) باشد و از این پس ما این گروه را BRIIC بنامیم؛ یعنی یک ا برای Iran اضافه کنیم».

این نکات نشان‌دهنده وضع موجود نابسامان؛ و وجود استعداد و توانایی معنادار در مسیر دستیابی به آینده مطلوب است. جدای از بعضی از گزاره‌های نامقبول مطرح از سوی پروفیسور بکر، چنین جهت‌گیری‌ایی را در باب ایران و آینده آن، درست می‌پنداریم و بر این باوریم که مهم‌ترین رویکرد معنادار در باب آینده ایران از نظر راهبردهای عملیاتی آینده اندیشی در باب حوزه اقتصادی در حوزه کسب و کار، است. از این رو طرح آموزشی زیر مورد پروا می‌باشد.

#### • هدف دوره

- ۱- آموزش وجوه نظری و عملی آینده پژوهی کاربردی
- ۲- گسترش کیفی بهره‌برداری از آینده پژوهی در ساحت‌های گوناگون حیات فردی، اجتماعی و ملی
- ۳- تربیت نیروی متخصص ماهر برای فعالیت در عرصه‌های گوناگون کسب و کار با جهت‌گیری‌های تخصصی آینده پژوهانه در هر حوزه
- ۴- آماده‌سازی داوطلبین شرکت در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای آینده پژوهی



۵- گسترش فرهنگ آینده اندیشی در حوزه عمومی حیات ملی و نگرش آینده اندیشانه در فعالیت های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ....

• تواناییهای مورد انتظار فراگیر بعد از پایان دوره

- ۱- آشنایی با مفاهیم علمی، مبانی معرفت شناسانه آینده پژوهی، و روش های گوناگون آن
- ۲- شکل گیری ذهنیت آینده پژوهانه در دوره دانش آموختگی و کسب علوم گوناگون
- ۳- نگاه دقیق به روندها و رویداد های ناظر بر ساخت و پرداخت آینده های ممکن، محتمل، و مطلوب
- ۴- ترسیم تصاویر مرجح از آینده و تدوین نقشه های راه و استراتژی های مناسب با آن تصاویر برای اقدام
- ۵- ارتقاء سطح برنامه ریزی راهبردی و گسترش تفکر استراتژیک در حوزه های گوناگون فعالیت اقتصادی و کسب و کار
- ۶- افزایش سطح توان دانش پژوهان در حوزه های گوناگون کسب و کار از طریق آینده اندیشی و ترسیم سناریو ها و چشم اندازهای فعالیت ها.

• شرایط ورود به دوره (پیش نیازهای ورود)

- ۱- دارا بودن مدرک پایان تحصیلات کارشناسی ارشد یا
- ۲- کارشناسی با پنج سال سابقه فعالیت مداوم تأیید شده مدیریتی
- ۳- دارا بودن طرح نو و قابل ارایه در آینده پژوهی کارو کسب های نوین مورد تأیید سیمرغ باریخ و دانشگاه همکار در صدور مدرک درخواستی دوره طبق ضوابط قانونی انجام دوره
- ۴- نحوه پذیرش فراگیر از طریق مصاحبه حضوری
- ۵- نحوه ارزیابی دوره ★ آزمون کتبی ★ ارایه پروژه ★ سایر



• محتوای دوره

(تمامی دروس در بندهای ۳، ۴، و ۵ با تأکید بر حوزه کار و کسب های آینده خواهد بود)

روش تدریس و ارایه درس	عنوان تک درس:				
	زمان آموزش (ساعت)		رئوس مطالب و ریز محتوا		نوع
	عملی	نظری	ریز محتوا	رئوس مطالب	
					عملی
کلاس آموزشی دو واحدی در هر جلسه	۱۵ جلسه ۲ واحدی	۱-آینده پژوهی در پژواک معنا و انعکاس مفهومی آن ۲- زمان و زمانه . تشابه ها و تمایزات ۳- آینده پژوهی کلاسیک و مدرن ۴- اصول تغییر، و پارادایم پیشرفت ۵-ریخت شناسی آینده در حیات طبیعی؛ اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی انسان ۶- آینده پژوهی ؛ باریخ شناسی در سه دیدگاه: مکاشفه ای، فرجام گرا، و پیامبرگونه ۷-اهداف آینده پژوهی	مبانی و اصول آینده پژوهی (آشنایی با آینده پژوهی/باریخ شناسی)	۱	
کلاس آموزشی دو واحدی در هر جلسه	۱۵ جلسه	۱- مکاتب ناظر بر پارادایم های آینده پژوهی از پوزیتویسم تا فراواقع گرایی انتقادی ۲- تعقل، تدبر، و خردورزی در آینده پژوهی ۳- استلزام های پارادایم های پنج گانه آینده پژوهی ۴- آینده پژوهی در مقام تسریع کننده تغییر، تمدن، رفتار و کنش فردی و اجتماعی	معرفت شناسی و معرفت شناسی آینده پژوهی : چیستی و چرایی باریخ شناسی و بنیاد های معرفت شناسانه ناظر بر آن	۲	
کلاس آموزشی دو واحدی در هر جلسه	۱۵ جلسه	۱- روش و روش شناسی در آینده پژوهی ۲- از کمیت گرایی محض تا محض کیفی گرای ۳- روش های اکتشافی در آینده پژوهی ۴- روش های هنجاری در آینده پژوهی ۵- روش های پیش بینی ، پیش نگری، پیش نگاری ، و پیش پردازی آینده ۶- روش پیش بینی فناوری ۷- روش سناریو نویسی یا فرپندارنویسی ۸- روش تحلیل روند و STEEP V، STEEPV S M	روش های آینده پژوهی	۳	



<p>کلاس آموزشی دو واحدی در هر جلسه</p>		<p>۸ جلسه</p>	<p>۱- مبانی و روش های مدل سازی ۲- مدیریت علم، خلاقیت، نوآوری، و فناوری ۳- مدیریت فناوری های نوظهور ۴- سیاستگذاری علم و فناوری</p>	<p>آینده پژوهی علم و فناوری</p>	<p>۴</p>
<p>کلاس آموزشی دو واحدی در هر جلسه</p>	<p>۲ جلسه</p>	<p>۸ جلسه</p>	<p>- روش های پیش بینی با استفاده از فناوری های جدید - سناریو نویسی، چشم انداز سازی، پس نگری - داده کاوی - مدل سازی - سناریو نویسی - سناریو های مطرح در مورد آینده - نامعلومی ها در جهان آینده و انواع آن: ۱- ریسک ۲- عدم قطعیت - ۳- چهل مدل های ارزیابی ریسک و چگونگی بکارگیری آن</p>	<p>آشنایی با نرم افزارها و شیوه ی استفاده از آن ها در آینده پژوهی:</p>	<p>۵</p>
<p>ج: منبع درسی: ((مؤلف/مترجم)، عنوان منبع، ناشر، سال انتشار)) حداقل دو منبع فارسی و یک منبع لاتین: ونل بل، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، مبانی آینده پژوهی انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی ۱۳۹۲. مطهرنیا مهدی باریخ شناسی سیاسی انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۹۴ جروم سی گلن، تئودور جی گوردون، دانشنامه بزرگ روش های آینده پژوهی مرضیه کیقبادی، فرخنده ملکی فر انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۱۳۹۳، دوجلدی کیس وندر هیدن ترجمه مسعود منزوی سناریو هنر گفتگوی راهبردی انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی ۱۳۹۱</p>					

• مشخصات مدرس یا مدرسان دوره

نام مدرس: مهدی مطهرنیا

آخرین مدرک تحصیلی: دکترا رشته تحصیلی: آینده پژوهی

گرایش: اجتماعی، فرهنگی و فناوری، از دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

دانش آموخته دوره دکترای جامعه شناسی سیاسی از هاوایی



نمونه سوابق آموزشی

ردیف	نام درس	مقطع	رشته	سال تحصیلی	محل تدریس	ملاحظات
۱	تغییرات اجتماعی و آینده پژوهی	کارشناسی ارشد	آینده پژوهی	۱۳۹۶ / ۱۳۹۷	دانشگاه اصفهان	
۲	مبانی آینده پژوهی	کارشناسی ارشد	آینده پژوهی	۱۳۹۲ - ۱۳۹۵	دانشگاه طلوع مهر و صیاد شیرازی	
۳	جامعه شناسی سیاسی	دکترا	علوم سیاسی	۱۳۹۰ - ۱۳۹۳	دانشگاه آزاد همدان	
۴	جامعه شناسی برنامه ریزی	دکترا	برنامه ریزی سیاسی	۱۳۹۶	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم	
	مدیریت دولتی و نهادهای سیاسی	دکترا	مدیریت دولتی و سیاستگذاری عمومی	۱۴۰۰	دانشگاه تهران	



❖ مقاله‌های علمی

- Motaharnia Mehdi, Moradi Azra, Identity of the time and Instant, International Journal of Advanced Biotechnology and Research (IJBR), ISSN ۰۹۷۶-۲۶۱۲, Online ISSN ۲۲۷۸-۵۹۹X, Vol-V, Special Issue-Number۴-June, ۲۰۱۶, pp۹۳۵۹۳۹, (ISI )
- Motaharnia Mehdi, THE NEW WORLD ORDER IN THE TWENTY-FIRST CENTURY AD SCENARIOS, Journal of History Culture and Art Research Karabük Üniversitesi Tarih Kültür ve Sanat Araştırmaları Merkezi Yard. Doç. Dr. Sinan Yılmaz Editör Karabük Üniversitesi ISSN: ۲۱۴۷-۰۶۲۶
- Mohammad Rahim Eivazi , Mehdi Motaharnia Babak Nemati Surveying and prioritizing the effect of futures media scenarios on New Social Movements with TOPSIS method, Applied mathematics in Engineering, Management and Technology ۲۰۱۵ The special issue in Management and Technology (May ۲۰۱۵): XXX-XX, (EMT, ISC).
- Mohammad Rahim Eivazi, Mehdi Motaharnia, Reviews and ratings future performance media and the management of new social movements, INTERNATIONAL JOURNAL OF HUMANITIES AND, CULTURAL STUDIES ISSN ۲۳۵۶-۵۹۲۶(ISI). - <http://www.ijhcs.com/index.php/ijhcs/article/view/۵۹۲>
- Mehdi Motaharnia, Taha Hashemi, Azar Abolghasemi, the relationship between culture and religion in National Iranian life and its future management applied mathematics in Engineering, Management and Technology ۲۰۱۵ The special issue in Management and Technology
- Mehdi Motaharnia, Emsie Salehi, The New World Order in the Twenty-First Century, Tarih Kültür ve Sanat Araştırmaları Dergisi, ANA SAYFA > Cilt ۶, Sayı ۱ (۲۰۱۷) - Mehdi Motaharnia, Ensiyeh Salehi, Glassy cabin and eight art of life in parallel reality, Revista de la Universidad del Zulia (ISSN: ۰۰۴۱-۸۸۱۱) .



❖ هفتاد و هفت - ۷۷ - مقاله به زبان فارسی

❖ کتاب (تألیف/ترجمه)

- ۱- قدرت، انسان، حکومت؛ ۱۳۶۸ با مقدمه دکتر حسین بشیریه، ناشر، نویسنده
- ۲- تبیینی نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین الملل؛ ۱۳۷۸، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۳- درآمدی بر تحلیل پدیده های سیاسی؛ نصر ۱۳۷۹
- ۴- هویت، خشونت و توسعه پایدار در ایران؛ بازار کتاب، ۱۳۸۳
- ۵- باریخ شناسی سیاسی؛ سازمان انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، با مقدمه آیت الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۴
- ۶- آینده نگاری و آینده نُمایی انقلاب اسلامی، سازمان انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵
- ۷- آینده قدرت، انتشارات دانش پرور، ۱۳۹۶
- ۸- آینده آزاد اندیشی انتشارات دانش پرور، ۱۳۹۶
- ۹- رساله زمان انتشارات فارابی ۱۳۹۹
- ۱۰- تغییرات و پارادایم انتشارات فارابی ۱۳۹۹
- ۱۱- الفبای آینده پژوهی کاربردی، انتشارات فارابی ، در دست انتشار
- ۱۲- و . دوازده عنوان کتاب دیگر

در صورت تمایل دانش پذیر مدرک دوره از طریق مراجع رسمی دانشگاهی قابل دریافت خواهد بود.

برای اطلاعات بیشتر و نحوه ثبت نام در دوره دی بی ای DBA سیمرغ باریخ به سایت زیر مراجعه

<https://barikhnews.com>

شود.



## پیش بینی ۲

کشف آینده در پرتو کاوش اثبات گرایانه منکی بر روش شناسی کمی

آینده اندیشی کلاسیک با سه عرصه ی :

- پیش بینی
- پیش نگری
- پیش نگاری

بازشناخته می شود. ما به این عرصه ها دو عرصه ی دیگر افزوده ایم. آن ها عبارتند از :

- پیش پردازی
- پیش گمانی

پیش بینی بخشی از این تلاش برای رمزگشایی از راز آینده است که متوجه روش شناسی کمی و روش های تحلیل پیشرانه ها، تحلیل روندها، و برون یابی روندها و.. است. این کتاب بعد از «الماس درخشنده برای رفتن به آینده» در پی تبیین پیش بین به عنوان اولین پارادایم از پارادایم های پنجگانه ی فوق خواهد بود.



writers

مهدی مطهرنیا

مرجان نقوی

۲ این کتاب در ادامه کتاب «الماس درخشنده آینده» با همکاری خانم مرجان نقوی در حال نگارش است.





## فصل نخست :

در شماره گذشته - شماره ۱۵ - درچه یی به پیش بینی به عنوان نخستین پارادایم حاکم بر آینده اندیشی را بازگشودیم. این پارادایم از پارادایم های سه گانه مطرح در این ساحت مطالعاتی است. این پارادایم های سه گانه پیش بینی، پیش نگری، پیش نگاری است. دو پارادایم پیش پردازی، و پیش گمانی پارادایم هایی است که من به ان افزوده ام. در ادامه و در فصل نخست از این کوشش به عنوان فوق می پردازد.

### دانشواژگان، بنیاد های نظری، مدل های نظری

در این جا به مربع لایه لایه ای و مکعب شناخت توجه می کنیم. در کتاب بافتار بندی و مکعب فروریزش و فروپاشی رژیم ها مفصل تر به آن پرداخته ام. اضلاع این مربع عبارتند از:

- بافتار
- ریختار
- ساختار
- و عاملیت

هستند. در این جا پیشافرض آن است که "دگرگونی های ناشی از لغزش در هرکدام از این ابعاد مربع حیات شناخت و ارتباط میان آن ها در کنش متقارن میان لایه ای تسری پیدا می کند. بافتار بندی، نظریه پایه ای تلاش حاضر است. هدف آن بررسی دگرگونی اجتماعی با تکیه بر نظریه یا پنداشته بافتار بندی است. در همین راستا مفاهیم



پهلوپدیده و نزدیک به هم و هم‌نشین با یکدیگر «فروریزش و فروپاشی» در بافتاربندی و ارتباط این سطح اساسی با سطوح سه گانه دیگر مورد پروا قرار می‌گیرد.

#### ▪ عاملیت

عاملیت اشاره دارد به خصوصیات و شخصیت و توانایی‌های عاملان در درک و دریافت و دستیابی و تفسیر و تحلیل و ارزیابی و سنجش و تأثیری که به عنوان عامل بر روی جهان پیرامون می‌گذارند (Burns, ۲۰۲). داو مهم ترین مسأله تحلیل جامعه شناختی را عاملیت می‌داند به گونه‌ای که سراسر تاریخ تحلیل جامعه شناختی را می‌توان در پیرامون آن بازنوشت (Dow, ۱۹۷۸) ۳۷۹. در نظریه عاملیت، بر کارگزاری آدمی به گروه‌ها و طبقات اجتماعی و فلسفه آگاهی و سوژه‌گی تأکید شده است. آگاهی و عمل انسان در این دیدگاه نقش تعیین کننده‌ای در جامعه ایفا می‌کند.

#### ▪ ساختار

ساختارگرایی مدعایش این است که جوامع سیستم‌های در هم تنیده‌ای هستند که ساختارهای اجتماعی بسیار متنوعی را در دل فرد جای داده‌اند مانند صورت‌های مختلف دولت، سیستم‌های اقتصادی و شبکه حمل و نقل و مدعای دیگرش این است که بسیاری از خصیصه‌های مهم جوامع مثل سازماندهی‌های پایدار و فرآیند تغییر را می‌توان معلول افراد خاص این ساختار دانست. بنا بر این فهم هرگونه پدیده‌ای در اجتماع مستلزم فهم ساختارهای آن جامعه است (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۷). ساختار آن سیستم اجتماعی است که در طول زمان و به مدت طولانی پایدار می‌ماند و از افرادی که در آن واجد نقشی هستند، مستقل است. هم چنین ساختار آزادی افراد درون خود



را مقید می‌سازد. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت ساختارهای اجتماعی نظاماتی هستند با دوام و سامان‌بخش که با تعیین فراخناها و تنگناها هدایت‌گر، محدود کننده یا الهام بخش رفتار آدمیان هستند (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۸). از پیروان این سنت فکری می‌توان به پولانزاس اشاره کرد که سعی دارد «امر سیاسی را در دل ساختار شکل بندی اجتماعی جای دهد» ((Polanzas, ۱۹۷۳:۳۰). بر اساس این دیدگاه درک صحیح و علمی دولت سرمایه‌داری وقتی شکل می‌گیرد که فرضیه‌ای درباره بخش‌بندی ساختارهای سیاسی و اقتصادی که مقدمه نُمُو سرمایه‌گذاری است، داشته باشیم. (Ibid: ۳۳).

واژه ساخت یابی در کنار ساختار و ساختارگرایی باید مورد پروا باشد. ساخت یابی در اصل فرانسوی است و در زبان انگلیسی معادل ندارد. گیدنز آن را از زبان فرانسوی به عاریت گرفته است. این نظریه توجه خود را به تنظیم ساختار کنش‌های متقابل بین اعتقادات، نیت، اهداف، گزینش‌ها و کنش‌های فردی و جمعی انسان‌ها از یک سو و شرایط ساختاری اندیشه و عمل معطوف می‌سازد (Bryant, ۱۹۹۱:۲۲).

یکی از کوشش‌های شناخته شده و جامع برای تلفیق عاملیت و ساختار، نظریه ساختاربندی گیدنز است. گیدنز این نظریه را در ۱۹۷۰ طرح کرد اما شکل کامل آن را ابتدا در سال ۱۹۷۹ و سپس به صورت کامل‌تر در کتاب ساختمان جامعه در سال ۱۹۸۴ ارائه نمود. در این کتاب گیدنز اعتقاد دارد که «هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا عاملیت را با ساختار مرتبط سازد» ((Giddens, ۱۹۸۴:۲۱۹). به همین جهت کار مهم گیدنز غلبه بر دوگانگی ساختار و عاملیت است. از نظر گیدنز جامعه هم ساختار است و هم کنش. از کسانی که کار گیدنز را به نقد کشیده‌ایان کرایب است. وی درونداهای عمده نظریه گیدنز را برشمرده است. کرایب معتقد است که نظریه



ساختاربندی را باید معادل با کارکردگرایی ساختاری به شمار آورد. این کار تلاش به منظور حفظ مفهوم ساختار به مثابه یک کل است. درحالی که بینش‌های چرخش زبانی در فلسفه و به خصوص روش‌شناسی مردم‌نگر در جامعه‌شناسی را نیز می‌خواهد حفظ کند (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۲). او اضافه می‌کند که گیدنز وامدار روش‌شناسی مردم‌نگر، الگوی سه وجهی فروید از نهاد، خود و خود برتر و نیز جمله کلیدی مارکس در باره جامعه و انسان است (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

#### ▪ ریختار

در چنین مسیری نوعی نگاهی تلفیقی چهره نشان داد. به بیان دیگر، در این راستا ما شاهد عبور از عاملیت‌گرایی صرف به ساختارگرایی و ترجمان ترکیب آن‌ها در ساختاربندی گیدنزی هستیم. یکی از افرادی که در باب نظریه تلفیقی با فلسفه مشخص در این مسیر قرار می‌گیرد، پیر بوردیو است. پیر بوردیو در کارهایش از روش‌هایی از رشته‌های مختلف، از فلسفه و نظریه ادبی گرفته تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، استفاده می‌کرد.

"habitus"، یک واژه لاتین است که بعضی آن را به عادت‌واره، ملکه ذهنی، منش و... ترجمه کرده‌اند. مفهوم عادت واره زیاد صحیح نیست چرا که عادت‌ها "یکی" از عناصر تشکیل دهنده ریختار (Habitus) هستند. این گونه به نظر می‌رسد که معادل معقول‌تر این واژه اصطلاح ریختار باشد. ریختار در معنای لفظی یعنی این که شکل جسمانی کل بدن یا یکی از اعضای بدن، به نحوی که این شکل خاص بدنی، انسان را مجبور یا راغب به یک سری چیزها یا کارها می‌کند و از یک سری چیزها یا کارهای دیگر منع می‌کند.



مثلا اگر کسی چهره و بدنی زرد گون، لاغر و نحیف داشته باشد این شکل بدنی - به ظاهر- او را محدود و امکان ورزش‌های سنگین به او نمی‌دهد.

ریختار یک استعداد جسمانی است که آدم را مستعد یک چیزهایی می‌کند. این شکل جسمانی یک جور قالب است که جسمیت پیدا کرده است، همین قالبی بودن و این که یک چیزهایی را حتما به دنبال خود می‌آورد فکر می‌کنم همه را یک جا در واژه ریختار جمع می‌کند.

ریختار هم یک ساختار ساخت یافته است، یعنی محصولی است که بوجود می‌آید. به بیان ساده‌تر ریختار محصول «اجتماعی شدن» است - هر چند بورديو اگراه دارد این را بگوید- محصول اجتماعی شدن بدین معناست که ریختار، ساختار ساخت یافته‌ای است که نتیجه تربیت در محیط‌های رسمی و غیر رسمی است که فرد آن‌ها را تجربه می‌کند. از این نظر ریختار جنبه اکتسابی دارد، یعنی با یادگیری آگاهانه شکل می‌گیرد و از منطری دیگر ناآگاهانه، ضمنی و تلویحی هم هست چرا که نتیجه یادگیری غیرمستقیم نیز هست. یادگیری غیرمستقیم، زندگی در متن ضرورت‌های بیرونی است. آموزش‌های مستقیم و یادگیری‌های غیرمستقیم به ریختار شکل می‌دهند.

بیان شد، ریختار یک ساختار ساخت یافته و ساخت دهنده است. حال پرسش این است که به چه چیزی ساخت می‌دهد؟ ریختار به عمل، اندیشیدن و احساس انسان‌ها، ساختار شخصیت آدمی، کنش‌ها، سلايق، طرز فکرها و... تعیین می‌بخشد. در چشم‌انداز ریختوارانه خلق و خو، منش و رفتار فرد نظم می‌یابد. وقتی ریختار شکل گرفت این ساختار تشکل یافته او را هدایت می‌کند که در بی‌نهایت شرایط از پیش تعیین نشده و پیش‌بینی نشده‌ای که برای وی پیش می‌آید، امکان عمل داشته باشد. به عبارتی



دیگر ریختار، ساختاری است که به تمامی کنش‌های آدمی در موقعیت‌های متعدد، متفاوت و پیش‌بینی نشده نظم و هماهنگی می‌بخشد.

از همین رو باید به میدان ۳ و ریختار ۴ با هم پروا داشته باشیم. بورديو متأثر از این بینش و پری با این باور او هم عقیده است که برخلاف مارکسیسم سنتی، نمی‌توان جامعه را صرفاً بر مبنای طبقات اقتصادی و ایدئولوژی‌ها تحلیل کرد. بیش‌تر کارهای او به نقش مستقل عوامل فرهنگی و آموزشی می‌پردازد. به جای تحلیل جامعه بر مبنای طبقات، بورديو از مفهوم "میدان" و "میدان اجتماعی ۵" استفاده می‌کند، میدان، «حوزه‌ای اجتماعی است که در آن افراد در جستجوی منابع دلخواه تلاش و مبارزه می‌کنند». یک میدان، نظامی از جایگاه‌های اجتماعی است؛ مثل حرفه‌ای چون حقوق که از درون بر حسب روابط قدرت، ساختار یافته است. مثل قدرت متفاوت میان وکلا و قضات. به طور خیلی خاص، میدان حوزه اجتماعی مبارزه بر سر اختصاص انواع معین سرمایه است. سرمایه هر آن چیزی است که برای عاملان اجتماعی با اهمیت باشد. بارزترین نمونه آن، سرمایه پولی است. میدان‌ها هم به طور افقی و هم عمودی سازمان یافته‌اند. این به معنای آن است که میدان‌ها دقیقاً مشابه طبقات نیستند و اغلب فضای خودمختار و مستقل بازی اجتماعی هستند.

▪ بافتار

<sup>3</sup> Field

<sup>۴</sup> ریختار، برگرفته شده از ریخت... ۱- شکل ظاهری: \* پوشش گیاهی این منطقه شامل سه گونه است که در سه ریختار اصلی بوته زار، درختچه زار و درخت زار انتشار دارند. \* در سال‌های گذشته گرایش به ریختارهای سنتی (گونه‌های نمایش سنتی) افزایش یافته است. \* باری، این از نشانه‌های خداوند است که انسان را در ریختار و رنگ و پوست و زبان گوناگونی بیافرید... ۲- در جامعه شناسی: برابر Habitus habitus یک واژه لاتین است که بعضی آن را به عادت واره، ملکه ذهنی، منش و... ترجمه کرده‌اند. مفهوم عادت واره زیاد صحیح نیست چرا که عادت‌ها " یکی از عناصر تشکیل دهنده ریختار ( Habitus ) هستند.

<sup>5</sup> Social field



در این پهن‌دشت زندگی و فعالیت آدمی زحمت، کار و عمل جلوه‌گر می‌شود. برای توصیف و تحلیل پدیده و پدیدارهای رفتار و کنش آدمی در این حوزه‌ها به ویژه در صحن عمومی حیات آدمی، علم وارد عمل می‌شود و تئوری‌های گوناگونی برساخته می‌شوند. چهارگانه‌های تئوریک موجود در همین راستا قابل ارزیابی و ارزشیابی است. عاملیت بر نقش فرد به عنوان نقطه بنیادین تحلیل، ساختارگرایی بر ساخت و ساختار و ساختار بندی بر اثر متقابل آن‌ها بر یکدیگر و در نهایت ریختارگرایی به در هم تنیدگی عاملیت و ساختار با یکدیگر در تحلیل این پدیده‌ها و پدیدارها پروا دارند. مرور مهم‌ترین گویه‌های این چهارگانه‌ها نشان دهنده همین معنا و تعریفی است که از آن عرضه شد.

اما در اینجا یک "اما" وجود دارد. این اما چیست؟ این اما این است که خمیرمایه تمامی این برساخته‌ها در بافت و بافتار ورز داده شده است. ورز دادن، با دست به شدت مالیدن و زیر و رو کردن خمیر است تا هموار شود. آیا در اینجا یک عاملیت است که حرکت بخش این ورزیدن است؟ آیا یک ساختاری است که ورز داده است؟ یا این که این ساختها و عامل هستند که با ورز داده شدن این خمیر در بستر زمانه مملو از زمان‌های به هم پیوسته، برساخته می‌شوند؟ یا این که این برساخته شده‌های برآمده از این معنا، یعنی بافت و بافتار ورز داده شده است؟

بافت ورزیده در ژن و گسترش ژنوم ناشی از آن در باندهای پریپهنای بافتارهای ایجاد شده عمل می‌کنند. به بیان دیگر باید مشخص کنیم که ژن موجود در هر جامعه و ژنوم گسترده در باند پریپهنای هر ساحت معناداری در این زمینه دارای چه فرایند تولید و بازتولید عاملیتها و ساختارها و کنش و واکنش میان آن‌ها است. به بیان



مشخص‌تر و شفاف‌تر این همه در چارچوب مکعب شناخت، از چه ویژگی‌های معنایی تعریفی در دو بخش نظری و عملی و چارچوب‌های عملیاتی برخوردار هستند؟

در مقام استعاره، ساختارها در درون گوشت و پوست بافت مشخصی در آن ساحت بافتی و بافتاری، ساندویچ پیچ می‌شوند و قد بلند می‌کنند. حقیقت متن در ژن اولیه، یعنی خلقت حرکت در حرکت و برای حرکت است. جوهر این حرکت زمان است و ماهیت آن قدرت، و واقعیت آن رقابت، واقع امر آن تکامل و امر واقع آن منازعه می‌باشد. منازعه در صحن عمومی جامعه و در بافت تعامل اجتماعی و رقابت سیاسی خود را نشان می‌دهد.

ادامه دارد ...

